

پرحلاجی با تیغ بریده می‌شود تا رشته‌های آن طول خود را از دست بدهند. این عمل بارها تکرار می‌گردد چنان که توده پشمی که قبل از موکشی هفت کیلو وزن داشته است بعد از حلاجی به چهار کیلو و نهایتاً پس از ریسیدن و بافته شدن عبا تنها دو کیلوگرم وزن خواهد داشت.

فعالیت‌هایی از قبیل موکشی، رنگریزی، شستشو، ریسیدن و ماسوره پیچی برعهده‌ی زنان است که در کنار سایر وظایف آنان در خانه انجام می‌گیرد. ریسیدن پشم به همان روش ساده‌ی سنتی یعنی با استفاده از دوک نخریسی و یا چرخ دستی انجام می‌گیرد. نخ رشته شده روی ماسوره‌ها پیچیده شده و به عنوان پود در بافت عبا به کار می‌رود.

بافت عبا

عمل بافندگی عبارت از تبدیل دو ردیف نخ به پارچه است. به این صورت که یک ردیف از الیاف در طول پارچه کشیده شده که نام «تار» بر آنها نهاده‌اند و الیاف دیگری نیز از عرض پارچه یعنی عمود بر تارها عبور می‌کند که «پود» نامیده می‌شوند. دستگاه‌های ساده‌ی بافندگی نیز دارای قسمت‌های مختلفی هستند که کار آنها باید با یکدیگر هماهنگ باشد. ولی چهار مرحله‌ی اصلی که وجود آنها برای عمل بافندگی و تهیه‌ی پارچه ضروری می‌باشد عبارتند از:

- ایجاد تار یا چله کشی.

- تشکیل «دهنه‌ی کار» یعنی جداسازی تارها به دو گروه یک در میان و تشکیل دو سطحی از نخ‌های تار که با یکدیگر زاویه می‌سازند.
- پودگذاری یعنی عبور دادن ماکوی حاصل ماسوره‌ی نخ پود از لابلای نخ تار.
- دفتین زدن که آخرین عمل اصلی دستگاه بافندگی بلافاصله پس از پودگذاری است و طی آن شانه‌های دفتین با حرکت نوسانی خود، پود افزوده را به لبه‌ی پارچه‌ی بافته (پود قبلی) زده و ضمن ایجاد انسجام در پارچه، تارها را نیز از هم جدا می‌سازد.

زیر پای بافنده، پافشار یا پدال وردها قرار دارد که در اثر بالا و پایین رفتن وردها دو دسته تار از هم باز شده و به اصطلاح دهنه ایجاد می‌کنند و در این حال با عبور ماکو از وسط دهنه، پودگذاری انجام می‌شود. سپس با زدن دفتین و عوض کردن پاها دهانه‌ی تارها تغییر کرده و امکان عبور مجدد ماکو و بافت یک رج دیگر از پارچه مهیا می‌گردد.

کنترل عرض پارچه برعهده‌ی «متید» و ایجاد کشش متناسب تارها در پشت ورد برعهده‌ی «مفیل» خواهد بود. به تدریج که عمل بافت پیش می‌رود مقدار بیشتری از تارهای نورد عقب باز شده، پارچه‌ی بافته شده روی نورد جلو پیچیده می‌شود تا بالاخره قواره‌ی شش متری عبا تکمیل گردد.

پرداخت:

پس از اینکه بافتن عبا خاتمه یافت آن را از نوردهای عقب و جلو بازمی‌کنند و رشته‌ی اضافی تارها را از ابتدا و انتهای قواره می‌چینند. اکنون مرحله‌ی پرداخت عبا فرامی‌رسد.

پرداخت عبا نیز ابزارهای مخصوص خود را دارد که عبارتند از:

- سوزنی، که تخته‌ای مربع شکل بوده و بر یک ضلع آن ردیفی از سوزن‌های نوک‌تیز تعبیه شده، سوزنی که پرزهای اضافی را از لابلای بافت عبا بیرون کشیده به سطح می‌آورد.

- پرداخت، تخته‌ای است با ابعادی متناسب با کف دست انسان که روی آن را با ورق آجیده از حلبی پوشانده‌اند. پرداخت، سطح عبا را از زائادات باقیمانده پاک کرده آن را لطیف و یکنواخت می‌سازد.

- درفش، زواید و خاشاکی را که با پرداخت و سوزنی به سطح عبا بالا آمده‌اند، بیرون می‌کشد.

- منقاش، برای برداشتن خاشاک و زواید داخل تار و پود عبا با درفش توأمان عمل می‌کند.

- تیغ عباتراشی، که موهای سطح عبا و پرزهای برآمده را تراشیده از بین می‌برد.

- قیچی برای صاف کردن لبه‌های کناری عبا و چیدن پرزهای خوابیده‌ی کناره پس از اطو کردن.

- سنگ یشم برای تیز کردن تیغ

- اطوی ذغالی

پس از باز کردن پارچه‌ی عبا از دستگاه بافندگی، آن را روی گود دیگری برده به نورد پرداخت می‌بندند. ابتدا و انتهای قواره‌ی بافته شده را به دو نورد عقب و جلو محکم می‌نمایند و با سوزنی در یک جهت روی آن می‌کشند تا عباتراشی پرزها و موهای زائد سطح پارچه را می‌تراشند تا زبردست آن نرم و یکنواخت گردد. سپس مجدداً پارچه را از نورد باز می‌کنند و روی میزی پهن و عمل اطوکنشی را بر آن انجام می‌دهند. در این مرحله محلولی که مرکب از آب، برگ ساییده‌ی حنا و مقدار کمی صابون است به واسطه‌ی گلوله‌ای پشمی بر سطح عبا کشیده می‌شود به نحوی که آن را نمناک سازد. سپس اطوی ذغالی را که قبلاً خوب داغ شده است با فشار و محکم روی آن می‌کشند تا باعث انسجام و استحکام بیشتر تار و پود و خوابیدن پرزهای باقیمانده روی سطح عبا گردد. آن گاه نوبت به پرداخت می‌رسد و بعد از آن با استفاده از درفش و منقاش تا جایی که چشم می‌بیند و دست لمس می‌کند، خس و خاشاک تیزی‌ها و زبری‌های الیاف بیرون کشیده می‌شود و مجدداً پرداخت انجام می‌گیرد. در انتها نوبت به صاف کردن کناره‌های دستبافته است که به وسیله قیچی لبه‌های آن را هموار می‌کنند و پرزهای خوابیده در کناره‌ی عبا را می‌چینند.

سخن آخر:

«محمدیه» از محلات قدیمی نائین است که از گذشته‌ی دور شغل اکثر اهالی آن نسل در پی نسل عبا بافی بوده است. تعداد کارگاه‌های زیرزمینی برج‌مانده حکایت از نقش حساس این حرفه در تأمین معاش مردم «محمدیه» در گذشته‌ای نه چندان دور دارد. در نظر گرفتن این آمار که از پانصد دستگاه دایر عبا بافی در دو دهه‌ی گذشته، اکنون تنها پنجاه دستگاه باقی مانده (اگرچه چندان هم دقیق نباشد) بیانگر این واقعیت است که «عبا بافی» اگر مشمول تعاریف هنرهای کاربردی نیز نگردد، حداقل به عنوان یکی از رشته‌های نساجی سنتی در حال احتضار است و چه بسا که شایسته‌ی توجه، مراقبت و احیا باشد؟

ناتوانی بافندگان در ایجاد ارتباط با بازار فروش ثابت، تسلیم بی قید و شرط در قبال قیمت‌های پیشنهادی واسطه‌ها، ایجاد احساس عدم امنیت اقتصادی تلاش بیشتر با کار مستمر در شرایط طاقت‌فرسای کارگاه‌ها که در نتیجه‌ی آن اشباع بازار و کاهش بیشتر قیمت‌ها را در پی دارد.

چندان هم دور از واقعیت نیست این گفته‌ی یکی از عبا بافان: «دیگر هیچ جوانی حاضر نیست خود را آلوده این حرفه سازد چرا که زمانی اگر مردی عبا بافی نمی‌دانست او را شایسته‌ی دامادی نمی‌دانستند، و حالا اگر بدانند!»

هم‌اکنون همه‌ی آنهایی که توان اداره‌ی خانواده‌ی خود به نحوی دیگر را داشته‌اند، این حرفه را رها نموده به کار دیگری مشغول شده‌اند و تنها پیرمردانی که کم‌سن‌ترین آنها شصت ساله است هنوز دار عبا بافی را رها نکرده و درب کارگاه‌های خود را بازنگه داشته‌اند.

آیا به راستی برای حفظ این رشته از صنایع دستی و حمایت از این قشر صنعتگر و زحمتکش یا حداقل، انجام حرکتی در جهت ایجاد حس امنیت اقتصادی برای آنان که مانده‌اند، راهی وجود ندارد؟

آیا این رشته از نساجی سنتی کشورمان شایسته‌ی تجدید حیات نیست؟ آیا «عبا بافی» محکوم به زوال است؟

عبابافی

○ گیتی آذر مهر



بافتگی از قدیمی‌ترین صنایعی است که بشر بدان پرداخته است کشف وسایلی

گذشته‌ای نه‌چندان دور پشم به عنوان تار نیز در بافت عبا به کار می‌رفته

است اما امروزه برای چله‌کشی عبا از نخ‌های پنبه‌ای شماره ۳۲/۲ و ۲۵/۲ که توسط کارخانجات ریسندگی تولید می‌شود و علاوه بر داشتن ضخامت یکنواخت، چله‌کشی آن نیز سهل‌تر انجام می‌گیرد، استفاده می‌شود. اینکه از چه زمانی نخ پنبه‌ای جایگزین کرک در تار عبا شد نامشخص است، ولی تا آنجا که حافظه‌ی بافندگان حاضر یاری می‌کند، حدود ۵۰ سال پیش هم نخ چله مانند حالا از بازار اصفهان خریداری می‌شده است. استفاده از پشم گوسفند بنا به عللی از قبیل: سهل‌الحصول بودن، قابلیت بافت سریع‌تر، تمیزتر و ارزان‌تر بودن بر پشم شتر رجحان یافته است ولی کیفیت و مرغوبیت عبا یافته شده از پشم شتر به مراتب بیشتر است. در بافت هر عبا سه کیلو پشم مصرف می‌شود و به علاوه به علت ظرافت الیاف، بافت آن وقت بیشتری (تا سه برابر وقتی که صرف بافتن عبا با پشم گوسفند می‌شود) می‌گیرد. همچنین مویچی و پرداخت آن مستلزم صرف وقت بیشتری است که مجموعه‌ی این عوامل باعث می‌گردد که بافندگان، استفاده از کرک شتر را مقرون به صرفه ندانسته و از آن پرهیز نمایند.

مقدمات کار:

پشم مورد مصرف در عبابافی مانند سایر الیاف نباتی و حیوانی دارای ناخالصی‌هایی است که باید از آن گرفته شود. بدین منظور توده‌های پشم طی مراحل مختلفی از مو، خار و خاشاک، چربی‌ها، گرد و خاک و کثافات پاک می‌گردد.

در اولین مرحله، توده‌ی پشم موکشی و موها و خاشاک آن با دست بیرون کشیده شده و بعد از آن در صورت لزوم رنگریزی می‌شود. عبا در چهار رنگ سیاه، قهوه‌ای تیره، شتری و زرد تهیه می‌شود. رنگ طبیعی کرک قهوه‌ای روشن متمایل به کرم است و برای تهیه‌ی بافته‌هایی به رنگ‌های دیگر از مواد رنگدار طبیعی مانند پوست گردو، روناس و... استفاده می‌شود. سپس پشم را شسته و پس از خشک کردن، آن را به حلاجی می‌برند. پشم بارها به ماشین حلاجی سپرده می‌شود و بازپس گرفته می‌شود و هر بار لطیف‌تر و در فواصل

متعلق به حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد در غار «کمربند» حکایت از این دارد که مردمان آن زمان نیز از فن ریسندگی و تبدیل پشم به نخ بهره می‌جستند. اما دلیلی که نشانگر استفاده از آن رشته‌ها در بافتگی باشد در دست نیست.

قدیمی‌ترین اثر و ردپا از پارچه‌ی دستباف در ایران متعلق به ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد در شوش است. سال‌ها پیش نیز باستان‌شناسان طی حفاری‌های «تپه حصار» دامغان به کشف میله‌ای مفرغی نایل آمدند که مخصوص تابیدن نخ‌های نازک بوده است در نتیجه می‌توان گفت که صنعت بافتگی در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در ایران رواج داشته است.

اگرچه شیوه، ابزار و دستگاه‌های بافت دستی در طی قرون و اعصار تکامل چندانی نداشته است ولی همواره دستبافته‌ها تابع شرایط اقلیمی، فصلی، فرهنگی و طبقاتی، جوابگوی یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای انسان یعنی نیاز به تن‌پوش، بوده است.

«عبا» از جمله دستبافته‌های سنتی کشورمان است که از دیرزمان در مناطقی چون بوشهر، کوهپایه‌ی اصفهان و نایین تولید می‌شده است. در حال حاضر نیز بافت معروف‌ترین و مرغوب‌ترین عباها پشمین در «محمدیه» محله‌ی تاریخی شهر کهن نایین واقع در صد و پنجاه کیلومتری شمال شرقی اصفهان به عنوان فرآورده‌ای بومی در ابعادی گسترده رواج دارد.

این رشته از صنایع دستی با حفظ شیوه‌های سنتی و با استفاده از مواد اولیه‌ی طبیعی به عنوان ممر اصلی معاش اهالی محمدیه در طول سده‌های اخیر مطرح بوده است. چنانچه اگر از کوچه‌های این محل گذر کنی در هر سو کارگاه‌های زیرزمینی عبابافی را می‌بینی که بر کف معابر دهان گشوده و از روزه‌های تنگشان صدای بالا و پایین رفتن وردها و باز و بسته شدن دفتین‌ها را خواهی شنیدی. اما اگر سر به تو ببری تا لحظاتی چند، چیزی نخواهی دید، چندان که چشم‌ت به تاریکی این کارگاه‌ها انس گیرد و بینایی‌ات بازگردد.

الیاف مورد استفاده در «عبابافی»

«پشم» اعم از پشم گوسفند یا شتر ماده‌ی اصلی تهیه‌ی عباس است. در